

نیز معنی موت و حیات و بعث و حشر و نفخ صور و اسرافیل

حضرت بهاء الله، حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



لوح رقم (102) امر و خلق - جلد 2

۱۰۲ - نیز معنی موت و حیات و بعث و حشر و نفخ صور و اسرافیل

و از حضرت حضرت بهاء الله در کتاب ایقان است قوله الاعلی: و مقصود از موت و حیات که در کتب مذکور است موت و حیاتایمانی است و از عدم ادراک این معنی است که عامه ناس در هر ظهور اعتراض نمودند و بشمس هدایت مهتدی نشدند و جمال ازلی را مقتدی نگشتند چنانچه وقتی که سراج محمدی در مشکوة احمدیه مشتعل شد بر مردم حکم بعث و حشر و حیات و موت فرمود این بود که اعلام مخالفت مرتفع شد و ابواب استهزاء مفتوح گشت چنانچه از زبان مشرکین روح الامین خبر داده و لئن قلت انکم مبعوثون من بعد الموت ليقولن الذين كفروا ان هذا الاسحر مبين... و در جای دیگر میفرماید و ان تعجب فعجب قولهم انذا کنا ترابا انما لفی خلق جدید... و علمای تفسیر و اهل ظاهر چون معانی کلمات الهیه را ادراک ننمودند از مقصود اصلی محتجب ماندند لهذا بقاعده نحو استدلال نمودند اذا که بر سر ماضی در آید معنی مستقبل افاده میشود و بعد در کلماتی که کلمه اذا نازل نگشته متحیر ماندند مثل اینکه میفرماید و نفخ فی الصور ذلک یوم الوعید و جأت کل نفس معها سائق و شهید... و در مثل این مواقع یا کلمه اذا را مقدر گرفتند و یا مستدل شدند بر اینکه چون قیامت محقق الوقوع است لهذا بفعل ماضی ادا شد که گویا گذشته است... نفخه محمدیه را که باین صریحی میفرماید ادراک نمیکنند و از افاضه این نقره الهی خود را محروم مینمایند و منتظر صور اسرافیل که یکی از



ORIGINAL

عباد او استمیشوند با اینکه تحقق وجود اسرافیل و امثال او بیان خود آنحضرت شده... چنانچه عیسی میفرماید لابد لكم بان تولدوا مرة اخرى و در مقام دیگر میفرماید من لم یولد من الماء و الروح لا یقدر ان یدخل ملکوت الله المولود من الجسد جسد هو و المولود من الروح هو روح که ترجمه آن اینست نفسی که زنده نشده است از ماء معرفت الهی و روح قدسی عیسوی قابل ورود و دخول در ملکوت ربانی نیست زیرا هر چه از جسد ظاهر شد و تولد یافت پس او است جسد و متولد شده از روح که نفس عیسوی باشد پس او است روح خلاصه معنی آنکه هر عبادی که از روح و نفخه مظاهر قدسیه در هر ظهور متولد و زنده شدند بر آنها حکم حیات و بعث و ورود در جنت محبت الهیه میشود و من دون آن حکم غیر آن موت و غفلت و ورود در نار کفر و غضب الهی است میشود و در مقام دیگر انجیل مسطور است... ذع الموتی لیدفنه الموتی و همچنین... حضرت امیر... بکاتب فرمودند که بنویس قد اشتری میت عن میت بیتا محدودا بحدود اربعة حد الی القبر و حد الی اللحد و حد الی الصراط و حد اما الی الجنة و اما الی النار... چنانچه فرموده اند المؤمن حی فی الدارین... او من کان میتا فاحیناه و جعلنا له نورا یمشی به فی الناس کمن مثله فی الظلمات لیس بخارج منها . و قوله الاعلی و ازین بیانات واضحه محکمه متقنه غیر متشابهه تفسیر سماء را که از علائم ساعت و قیامت است ادراک نما این است که میفرماید اذا السماء انفطرت مقصود سماء ادیان است که در هر ظهور مرتفع میشود و بظهور بعد شکافته میگردد یعنی باطل و منسوخ میشود .

و از حضرت عبدالبهاء در سفر نامه اروپا است قوله العزیز در قرآن حکایتی بیان میفرماید که جسد متلاشی شده را دید که بکلی پاشیده شده و استخوانها از هم منفصل گشته گفت چگونه میشود که اگر این جسم متلاشی شده جان یابد ناگه بخته دید استخواها بهم پیوند شد گوشت و پوست گرفت و جان و توانی تمام یافت آنگاه بقدرت الهیه پی برد و دید و دانست کیف یحیی العظام و هی رمیم مقصد جسد متلاشی شده مثل ایران است که اگر مدد غیبی و قوه الهی یابد تائید و عون ملکوتی جوید احزاب متفرقه متنوعه و نفوس مختلفه متضاده بقوه معنویه مجتمع گردند و بر آنچه سبب حیات و عزت ابدیه است متحد و متفق گردند .



هو ذا یوم الرب قادم قاسیا بسخط و حمو غضب لیجعل الارض خرابا و یبید منها خطاتها فان نجوم السماء و جبارتها لا تبرز نورها تظلم الشمس عند طلوعها و القمر لا یلمع بضوئه و اعاقب المسکونة علی شرها و المنافقین علی اثمهم و ابطل تعظیم المستکبرین و اضع تجیر القساة و اجعل الرجل اعز من الذهب لابریز و الانسان اعز من ذهب اوفیر لذلك اززل السموات و تزعزع الارض من مکانها فی سخط رب الجنود و فی یوم حمو غضبه و یکون کظی طریدو کغم بلا من یجمعها یلتفتون کل واحد الی شعبه و یربون کل واحد الی ارضه (اشعیاء اصحاح ۱۳)

نبد فرمان که سازند انبیاء را رموز این قیامت آشکارا حدیثی مصطفی گفته درین باب روایت اینچنین کردند
اصحاب که اجن و انس چندانی که باشند - همه اندر قیامت جمع باشند که بردارند علم از پیش خلقان - نباشد
قوت بر داشتندشان بتنهائی علی بر دارند آنرا - کند اسرار پنهان آشکارا بگوید جمله علم اولین را - نماید سر علم
آخرین را خدا را هم بخلقان او نماید - در بسته بخلقان او گشاید جهان گردد از او پر امن و ایمان - جماد و
جانور یابد ازو جان کسی کو مرده باشد در جهالت - نرفته راه حق را در بطالت نماند در جهان ترسا و کافر
- کند علم و حقیقت جمله ظاهر قیامت دوره بن مرتضی دان - بمعنیش تو باب مصطفی دان (عطار)